شهید قاسم سلیمانی | شهید سیدحسن نصرالله | شهید ابومهدی المهندس | شهید مصطفی چمران | شهید ادواردو آنیلی | شهید حسن شاطری | شهید حسن طهرانی مقدم | شهید حسین همدانی | شهید محسن فخری‌زاده | شهید صیاد شیرازی | شهید محسن حججی | شهید سیدمحمدباقر حکیم | شهید عماد مغنیه | شیخ ابراهیم زکزاکی | دکتر رمضان عبدالله | سردار ابراهیم محمدزاده

گفت‌وگوی کیهان با خواهر روحانی شهید سید محمد اسحاقی «وحیدی»

از مسجد کرامت تا قله ۱۱۵۰

در دوران سخت آزمون‌های پی‌درپی الهی، در ایران عزیزمان، عده‌ای بودند که با بالاترین نمره به درجهٔ رفیع انسانیت رسیدند و لحظه‌ای در انتخاب مسیر درست تردید به خود راه ندادند. دورانی که هرچه بود، سختی بود، اما آنها آسان می‌گذراندند، چون بـــه نقطهٔ امن الهی متصل بودند. هرچه بود، تاریکی و سیاهی بود، اما آنها در خود نور حرکت می‌کردند، چون نور الهی را از پس پردهٔ مادیات دنیا می‌دیدند و راهشان را پیدا می‌کردند. آنها همان کسانی بودند که تا پای جان به عهدی که با خدا بستند، وفادار ماندند و در نهایت هم‌جوار خدا شدند. روحانی شهید سید محمد اسحاقی از نسل همان شاهدانی است که لذت حضور در مبارزات دوران انقلاب را با تمام وجود در نوجوانی‌اش درک کرد و بعد از آن نیز با همان سن کم در گوشه‌ای از دفاع مقدس لذت اطاعت از امر ولایت را چشید و عاقبت «فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر» آرام گرفت.

سید محمد مشکوه‌الممالک

من نجمه‌سادات اسحاقی خواهر شهید سید محمد هســـتم. پدرم عالِم عامل و در مسیر حضرت امام(ره) و انقلاب به تبلیغ شریعت ناب الهی مشغول بودند.

برادرم ســـید محمد فرزند ســـوم خانواده، متولد ۱۳۴۰ و از من حدود شش سال بزرگ‌تر بود.

پدرم درس خارج را گذرانده بودند. شیوهٔ تربیتی ایشـــان طوری بود که همه ما به قناعت عادت کرده بودیم، حتی اکنون هم که به آن روزها فکر می‌کنیم، برایمان جای سؤال است که در آن شرایط اقتصادی بچه‌ها را چگونه مدیریت می‌کردند.

ما به‌خاطر تربیتی کـــه از پدرمان گرفته‌ایم، هر صبح و شب برایش دعا می‌کنیم که خدا او را بیامرزد. به همهٔ بچه‌ها از همان دوران کودکی، احکام الهی و تعالیم اســـلامی را با دقت به ما آموزش می‌دادند، به ما درس خداشناســـی می‌دادند و به زبان کودکانه به ما می‌گفتنـــد: «این عالم با این عظمت بیهوده خلق نشده و پشت این تشکیلات بزرگ، کسی است و آن، الله است. ما خدا را نمی‌بینیم، ولی او وجود دارد و ما را می‌بیند و به همه اعمال خوب و بد ما آگاه است.»

این‌گونه معارف الهی را با زبانی که برای ما کاملاً قابل درک بود بیان می‌کردند، و سید محمد بیشتر و بهتر از بقیه بچه‌ها درس‌های ایشان را فرا می‌گرفت.

طلبگی و دغدغه‌های انقلاب

سید محمد از همان اوایل نوجوانی تصمیم گرفت درس طلبگی بخواند و وقتی با پدرم عنوان کرد، ایشان از این تصمیم او خیلی خوشحال شدند. وقتی مبارزات شروع شد او به‌عنوان یک طلبه جوان انقلابی در همه عرصه‌ها حضور فعال داشت. همیشه متعجب بودیم از اینکه او با این همه فعالیت‌های غیردرسی، چه موقع به درس‌هایش می‌رســـد؟! مثـــلاً اعلامیه‌هایی را که به‌صورت مخفیانه به او می‌رساندند، به دیگر انقلابیون می‌رساند، خیلی از آن نوارهای دورهٔ انقلاب اکنون جزء یادگاری‌های ارزشمند اوست.

یک روز ســـاعت ده صبح بود که ســـاواکی‌ها در خیابان ریخته بودند و خانه‌های کوچه‌های اطراف را می‌گشـــتند. پدرم که از آمدن آنها باخبر شده بودند؛ فوراً همهٔ نوارها و مدارک را در جای امنی پنهان کردند و موضوع ختم به خیر شد.

در مبارزات علیه رژیم شـــاه، با تأســـی از شهید نواب‌صفوی شجاعانه، بدون ذره‌ای ترس فعالیت می‌کرد

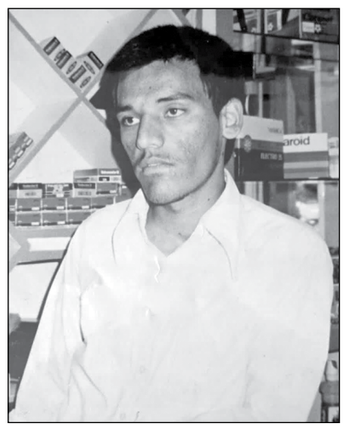

و حتی مادرم را نیز وارد فعالیت‌های انقلابی کرده بود. مثلاً گاهی همسر شهید نواب‌صفوی سخنرانی داشتند و مادرم در آن جلسات روشنگری شرکت می‌کرد.

فعالیت‌های مذهبی بـــرادرم خیلی زیاد بود. در پانزده سالگی، در تمام برنامه‌های انقلابی که در مسجد کرامت مشهد، برگزار می‌شد شرکت فعال داشت و از همان مسجد هم به جبهه اعزام شد. بعد از مدتی جلسه انجمن پیروان قرآن را برای بچه‌های محل راه‌اندازی کرد و شـــب‌های جمعه دور هم جمع می‌شدند قرآن می‌خواندند و از تجوید و احکام که ایشان بیان می‌کرد بهره می‌بردند. یک تابستان یادم هست که برای تبلیغ و تدریس قرآن به شهرستان آزادشهر (شمال کشور) عزیمت کرد و تمام تابســـتان را به فعالیت‌های قرآنی مشغول بود. شرکت در راهپیمایی‌ها و انجام کارهای فرهنگی در راســـتای مبارزه با شاه و پیروزی انقلاب، تلاش همیشگی او بود و در این جهت خستگی برایش مفهومی نداشت. به شهید نواب‌صفوی و شهید آیت‌الله سعیدی خیلی علاقه داشت. خودش برای ما تعریف می‌کرد که؛ وقتی ساواک آیت‌الله سعیدی را دستگیر کرده بود، دیدند هـــرکاری می‌کنند نمی‌توانند از او اطلاعات بگیرند، در زیر شـــدیدترین شـــکنجه‌ها، از جمله کشیدن ناخن‌ها، ایشان را به شهادت رسانده‌اند.

دلیل عاقبت به‌خیری

به‌نظر من احترام به پدر مادر و همین‌طور اخلاصی که داشت باب شهادت را به روی او گشود. به هیچ چیز، نگاه مادی نداشت و همه کارهایش در راه خدا و اسلام بود. حضورش را در زندگیمان واقعاً احساس می‌کنیم و در تمام این سال‌ها که جسمش در کنارمان نبوده، عطر فداکاری‌های او و سایر شهدا استشمام می‌شود و از برکت ایثار آنان بهره مند هستیم و همیشه از آن عزیزان خدا می‌خواهیم که برای عاقبت بخیری ما و فرزندانمان دعا کنند و مارا در جهت حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب یاری رسانند.

ما قطعاً مثل شـــهیدان والا مقام، تا آخرین قطرهٔ خـــون پای ولایت خواهیم ماند، گوش به‌فرمان رهبر عزیزمان خواهیم بود و آرزوی همه ما فقط ســـلامتی ایشان و سربلندی اسلام عزیز است.

ســـید محمد خط بسیار زیبایی داشت و از جبهه مرتب برایمان نامه می‌نوشـــت و حرف‌های پندآموز می‌زد و در مورد حجاب و پیروی از خط امام به‌صورت مداوم توصیه می‌کرد. با وجود اینکه امام خمینی(ره) را از نزدیک ندیده بود، اما عاشق ایشان بود. اهل نمازشب بود و اخلاق بســـیارخوبی داشت. بسیار ساده‌پوش و در عین حال مرتب و منظم و با وقار و کم‌حرف بود.

به هرحال این سبک زندگی او یعنی ساده زیستی، صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف برای همه ما درس بوده و اســـت. دفتری از او به جا مانده از تقریرات درســـی در حوزه، که بسیار خوش‌خط و مرتب و قابل‌توجه و ارزشمند است.

با شروع جنگ سید محمد تصمیم گرفت به جبهه بـــرود و پدر و مادرم هیچ مخالفتی نکردند. او آن‌قدر فعالیت مبارزاتی داشت که پدر و مادرم همیشه فکر می‌کردند که در همان دوران انقلاب شهید می‌شود.

در همان روزی که سربازان رژیم شاهنشاهی، با تانک و تجهیزات نظامی روبه‌روی اســـتانداری مشهد به مردم حمله کردند ما همراه برادرمان سید محمد در آنجا حضور داشتیم صحنه‌های دلخراشی بود که همـــه آن اتفاقات در تاریخ مبارزات ملت بزرگ ایران ثبت شده است.

به هرحال همیشه به‌وسیلهٔ برادرم از برنامه‌های مبارزاتی مطلع می‌شدیم و تا جایی که برایمان مقدور بود شرکت می‌کردیم.

به‌خوبی در خاطرم هست دومین مرتبه که عازم جبهه بود دایی‌ام که برای دیدنش به منزل ما آمده بود به او گفت«دایی‌جان الآن وظیفه شما درس خواندن هســـت، بقیه هستند که بروند جبهه.» و او در جواب گفت: «وقتی دشمن به مشهد حمله کند همه باید دفاع کنند و کاری مهم‌تر از این نیست، مهم این است که نگذاریم دشمن به مرزهای ما نزدیک شود.» من یقین دارم ایـــن بصیرت را از کلام مولایمان در نهج‌البلاغه آموخته بود که فرموده اند: «هر ملتی که درون خانه خود مورد هجوم دشمن قرار گیرد ذلیل خواهد شد.»

پدرم او را خیلی دوست داشت و معتقد بود که او با بقیهٔ بچه‌ها تفاوت دارد و به‌خاطر ویژگی‌های خاصی که در وجود او بود، بســـیار به او علاقه‌مند بود. او هم خیلی برای پدر و مادرم احترام قائل بود.

قبل از خبر شهادت سید محمد، پدرم خواب دیده بود که یک چشـــمش نابینا شده است. (این خواب را بعـــد از مدتی در یکی از کتاب‌های ایشـــان دیدم که یادداشت کرده بودند)

طولی نکشـــید که دو نفر از ســـپاه آمدند و خبر شهادت برادرم را آوردند. خبر شهادت سید محمد برای همه مخصوصاً برای پدرم خبر سنگینی بود، ولی این اعتقاد که درخت اسلام باید با چنین خون‌های پاکی آبیاری شود تا دین خدا تا ظهور امام زمان(عج) برقرار بماند، درک این شهادت‌ها را برای ما آسان می‌کرد.

اکنون بعد از گذشت بیش ازچهل سال از شهادت او همچنان به دیدار مزارش می‌رویم و با آرمان‌های بلند او و سایر شهدای گلگون‌کفن تجدید میثاق می‌کنیم.

اخلاق و منش سید محمد

برادرم معتقد بـــود که باید به همهٔ آدم‌ها احترام بگذاریم. من هیچ کار ناپســـندی از او ندیدم. همیشه مؤدب و موقر بود، لباس‌هایش با اینکه شـــاید خیلی نو نبود مرتب و اتوکشیده بود و به همه هم می‌گفت: «آدمی که خدا را در نظر می‌گیرد، باید رفتار و کردارش نیز مطابق با آن چیزی باشـــد که خدا دستور داده.» اهل غیبت و مسخره کردن دیگران نبود. به نماز اول وقت اهمیت می‌داد و دیگران را هم به آن ســـفارش می‌کرد، اهل نماز شب بود.

به خاطر دارم که وقتی ســـر سفره می‌نشستیم، دســـت به غذا نمی‌زد، ملاحظه بزرگ‌تر و کوچک‌تر همیشه مدنظرش بود.

در عید نوروز همیشـــه برای صله‌رحم پیشـــقدم بـــود. نه با زبان، بلکه با عمـــل و اقدامش ما را هم به این کار تشـــویق می‌کرد و علاوه بر فامیل نزدیک، به فامیل دور هم سر می‌زد و از آنها یاد می‌کرد. با همان حقـــوق طلبگی‌اش، به دیگران هم کمک می‌کرد و یا وقتی می‌خواست به آنها سر بزند، یک هدیه‌ای هرچند کوچک تقدیم می‌کرد. ما از این موارد خبر نداشتیم و خودشان بعد از شهادت برادرم بود که اینها را تعریف می‌کردند. ما خیلی چیزها را از او یاد گرفتیم.

وقتی به مرخصی آمد، به خانوادهٔ شهدایی که از دوستانش بودند، سر زد. به دوستانش نیز سر زد و از آنها خبر گرفت. دربارهٔ همه چیز با آنها صحبت کرده و سفارش کرده بود که راه امام را ادامه بدهند. در این دو ســـه روز مرخصی‌اش سراغ همهٔ فامیل، مخصوصاً عمه و خاله رفت. از زیبایی‌هایی که در جبهه دیده بود برای همه بچه‌های فامیل تعریف کرده بود که؛ «ما این راه را رفتیم و شـــما هم ادامه بدهید.» در تمام مدت مأموریتـــش فکر می‌کنم یک‌بار مرخصی آمد و چون احساس می‌کرد که دارد به شهادت نزدیک می‌شود، به تمام فامیل گفته‌بود که مرا حلال کنید. شهادتش خیلی‌ها را هدایت کرد که البته ویژگی شـــهادت این است که راه نشان می‌دهد.

بچه‌ها را خیلی دوســـت داشت. رفتارش با همه خوب بود. دوســـتانی داشـــت که بعضـــی از آنها در مســـیری که او می‌رفت، نبودند ولی بعد از شهادتش آمده بودند و می‌گفتند: «ما به واسطهٔ سید محمد به همه چیز رسیدیم.»

بعد از شهادت سید محمد خیلی از دوستانش با الگوگیری از او به جبهه رفتند. برخی از آنها مثل شهید جواد کامرانی و شـــهید خلیل عابدی و شهید مهدی پورنوغانی که از همسایه‌های ما بودند، به مقام شهادت رســـیدند و برخی هم پیروزمندانه برگشتند. برادرم اولین شهید فامیل بود، بعد از ایشان تعدادی از اقوام و آشنایان هم لباس رزم پوشیدند و عازم جبهه شدند.

خوشبختانه همهٔ نامه‌هایی که برای ما می‌فرستاد، موجود اســـت. در نامه‌ها بیشتر توصیه می‌کرد که به پـــدر و مادر احترام بگذاریـــم و تأکید می‌کرد که راه کربلای آقای شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین(ع) با جانفشانی رزمندگان باز خواهد شد، امید به پیروزی در سطرسطر نامه‌ها موج می‌زد، من برایش می‌نوشتم که؛ امیدوارم ســـربلند و پیروز برگردید و او می‌گفت: «مطمئن باش ما راه امام حسین(ع) را ادامه می‌دهیم.»

شوخ‌طبع بود و در عین حال آرام و باوقار

ایشـــان در نامه‌هایـــش خیلی به مـــا حجاب را توصیه می‌کرد و می‌گفت: «مواظب حجابتان باشید و بچه‌هایتان را برای اسلام تربیت کنید، تا پیش حضرت زینب(س) سربلند باشید.» حضرت زینب(س) و امام حسین(ع) را خیلی دوســـت داشت. وقتی داشت به جبهه می‌رفت، زمان خداحافظی که ما اظهار دلتنگی می‌کردیم، می‌گفت: «نگران نباشید ما می‌رویم تا کربلا را آزاد کنیم. ان‌شـــاءالله وعـــدهٔ ما کربلا» که خودش به آرزویش نرســـید، ولی ما را به این آرزوی بزرگ و

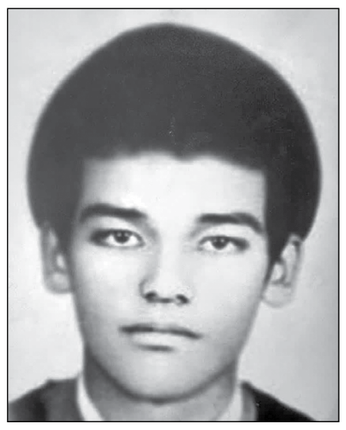

ارزشـــمند رساند. و بدون شک تمامی شهدا به عشق اهل‌بیت(ع) و امام زمان(عج) در مســـیر شهادت قدم گذاشته‌اند و قطعاً در بهشت با آن بزرگواران همنشین خواهند بود ان‌شاءالله.

شهادت در دامنه قله ۱۱۵۰

دی‌ماه ۵۹ بود که به جبهه‌های غرب کشور اعزام شد. چهار ماه در خط مقدم جبهه «بازی دراز» انجام وظیفه می‌کرد.

اوایـــل جنگ بود و آنها رفتـــه بودند که از مرزها پاسداری کنند. امام خمینی فرمان داده بودند که همهٔ نیروها اعم از پزشـــک و روحانی و کارگر و... جبهه‌ها را تقویت کنند، آرزوی بزرگ شهید سید محمد فتح قله‌های بازی‌دراز، مخصوصاً قلهٔ ۱۱۵۰ بود اما امکان عملیات نبود و ستون‌پنجم دشمن نیز بسیار فعال بود.

وقتی برای آوردن پیکر شـــهدا رفته و پیکر چهار شهید را آورده بودند، موقع آوردن شهید بعدی بر اثر اصابت ترکش خمپاره به پهلویش در اردیبهشت ۱۳۶۰ و آغاز بیست سالگی به شهادت رسید.

بعد از شهادت او، با رشادت‌های بی‌بدیل رزمندگان اسلام، خون شهدای مظلوم بازی‌دراز به ثمر نشست و قله ۱۱۵۰ فتح شد.

سید محمد به صدیقه طاهره(س) ارادت خاصی داشت و نحوهٔ شهادت و شکافتن پهلوی او ما را به یاد شهادت حضرت زهرا(س) می‌انداخت. شاید به خاطر همین علاقه و ارادت بود که شهادتی این‌گونه برایش مقدر شد. همرزم شهید عزیز می‌گوید در لحظه شهادت کنـــار او بودم و دیدم که این کلمات را تکرار می‌کند: «ای خدا، یا امام زمان، ما سرباز تو هستیم.»

محل دفن پیکر مطهر سید محمد در حرم مطهر امام رضا(ع) در صحن آزادی اســـت. شـــاید او اولین شـــهید روحانی شـــهر بود که در آن مکان مقدس به خاک سپرده شد.

آرامش در جوار امام رئوف(ع) تقدیر زیبای دیگری بود که برای او رقم خورد و او در پناه ثامن‌الحجج(ع) به جایگاه جاوید «عند ملیک مقتدر» دست یافت.

وصیتنامه‌شهید

خدایا دوست ندارم که مجروح شوم، بلکه دعای من و تنی چند از همسنگرانم این است که یا پیروز شویم و همگی پیروزمندانه برگردیم و یا شهید.

مـــن که از مال دنیا چیـــزی ندارم اما چند کلمه برای عبرت دیگران و برای کسانی که در شهرها قصد منحـــرف کردن این انقلاب اســـلامی را دارند، یادآور می‌شـــوم. من با آگاهی کامل و عشـــق به شهادت و امید به پیروزی اســـلام بر کفر در این جهاد مقدس قدم برداشته‌ام و ذره‌ای هم یأس به خود راه نمی‌دهم و هدفم از ایـــن جهاد مقدس در مرحله اول پیروزی اسلام بر کفر و اعتلای کلمهٔ حق است لکن اگر در این راه شـــهید شدم ره صد ساله را یک شبه طی کرده‌ام و اگر هم کمی آرزوی بازگشـــت توأم با پیروزی دارم آن هم نه به خاطر این اســـت که من از دیدن پدر و مادر و اقوام خوشحال می‌شوم، بلکه فقط به خاطر این است که عده‌ای از دیدن من خوشحال خواهند شد که پیروزمندانه برگشته‌ام.

ان‌شاءالله در میدان رزم به پیروی از سالار شهیدان که در روز عاشـــورا فرمود:«إن کانَ دیـــن مُحَمّداً لَمْ یَستَقِم الّا بِقَتلی فَیاسُیُوف خُذینی» اگر دین حضرت محمد- صلی لله علیه و آله- اســـتوار نمی‌شود جز به کشـــته شدن من، پس ای شمشیرها در برگیرید مرا. من هم به بعثیون کافر چنین خواهم گفت: که اگر دین اســـلام برای بارور شدن، به خون من و امثال من نیاز دارد، پس ای صدامیان بکشید ما را؛ چون ما از کشته شدن واهمه نداریم؛ چراکه به قول خدای متعال: «شهدا زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند» یا به قول استاد شهید مرتضی مطهری: شهادت تزریق خون است به پیکر اجتماع. پس بنابراین چه خوب است که عده‌ای با شهادت خود و با ایثار خون خود باعث حیات دیگران شـــوند و من هم همین راه را ادامه می‌دهم، به امید این که من هم به فیض شهادت نایل شوم.

در خاتمه یکی دو دعا دارم: بارالها از عمر ما بکاه و بـــه عمر امام بیفزای. خدایا! پـــدر و مادرم را از من راضی و خشنود گردان.

پادگان ابادر، سر پل ذهاب
۱۳۵۹/۱۰/۱۲

نیازمندی‌های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز		
۳۳۱۱۰۲۰۲	۳۳۱۱۰۲۰۸	۳۳۱۱۲۱۹۳
۳۳۱۱۳۵۱۹	۳۳۹۱۱۵۶۸	۳۳۱۱۲۲۹۱
۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۱۱۹۲۳۶	۳۳۱۱۳۰۸۵
۳۳۱۱۸۰۵۰	۳۳۱۱۲۱۹۵	۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب	
سعدی	۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳
شرق استان تهران	۳۶۲۵۷۰۷۴
اسلامشهر	۵۶۳۴۴۳۴۳
چهاردانگه	۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال	
قلهک	۲۲۶۰۳۶۳۵
شمیران	۲۲۷۱۲۹۷۶
مطهری	۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲
شهرآرا	۶۶۵۹۲۲۶۶ -۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

شرق — غرب	
شهریار	۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹
	۶۵۲۲۲۹۳۳
کرج	۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳ ۳۲۲۲۴۴۱۱
دماوند	۷۶۳۲۱۹۳۸

استخدام
موسسه ایی از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید.
- امور مالی : ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
- امور اداری : ۲ نفر آشنا به تایپ فارسی
- واحد فنی : ۲ نفر مرد ـ با تحصیلات دیپلم
- واحد خدمات : ۲ نفر مرد ـ با تحصیلات حدود دیپلم

متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ — ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا ۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

خرید و فروش انواع خودرو
«خریدار نقدی فرسوده» انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته ۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲ ۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

فروش یکجا شهرک ویلایی
گیلان زیبا کنار- ۱۱ویلا با تمام امکانات ۰۹۱۲۸۱۰۹۷۴۷

مجله زن روز روزهای شنبه هر هفته منتشر می‌گردد

آگهی‌های مفقودی
کارت دانشجوئی اینجانب علیرضا مهدی‌زاده سروستانی فرزند مهدی کدملی ۲۲۸۳۸۶۴۳۱۳ در مقطع کارشناسی رشته بیوتکنولوژی صادره از واحد دانشگاهی شهید بهشتی تهران با شماره دانشجوئی ۴۰۲۲۳۱۱۳۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدارک را به دانشگاه شهید بهشتی واحد تهران به نشانی تهران اوین میدان شهریاری خیابان دانشجو دانشگاه شهید بهشتی کدپستی ۱۹۸۳۹۶۹۴۱۱ ارسال نماید.

برگ سبز خودرو سواری پراید ۱۳۱SE به شماره انتظامی ۵۵و۸۷۹ ایران ۷۳ مدل ۹۷ موتور M ۱۳۶۰۷۳۳۷۹ شاسی NAS۴۱۱۱۰۰J۳۴۲۷۷۹۱ به نام طلعت شکوهی سلطان آبادی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.(شیراز)

برگ سبز موتور سیکلت تکتاز تیپ TK۱۳۵S رنگ قرمز شماره موتور ۰۰۷۱۱۷۸۳ شماره تنه H۹۰۰۴۵۴۵ ۱۳۵ شماره پلاک ۸۹۵۸۶-۴۶۲ بنام فرید آذین‌فر مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (سنندج)

برگ سبز _سند ماشین سواری _ سیستم: پراید تیپ: جی ال ایکس آی مدل : ۱۳۸۹ رنگ : سفید شماره موتور: ۳۴۲۷۳۱۵ شماره شاسی: S۱۴۱۲۲۸۹۱۷۱۰۳۱ شماره پلاک ایران ۵۹ _۶۳۲ ص ۷۸ بنام محمد علی پور با کد ملی ۲۱۱۰۱۰۶۶۲۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. (گرگان)

برگ سبز با سند کمپانی خودروی سواری پراید جی تی ایکس آی با شماره پلاک۷۲ایران ۵۳۷ق۷۲ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۷۷۱۵۴۳ و شماره موتور ۲۴۳۴۱۳۹ بنام صابر مریخ کلجایی با کدملی ۲۱۸۱۰۰۱۹۶۰ مفقود گشته و از درجه اعتبار ساقط است. (بهشهر)

برگ سبز خودروی سواری پراید SX۱۳۲، مدل ۱۳۹۱، به شماره انتظامی ۱۴۵ ج ۷۷ ایران ۵۶، شماره موتور ۴۶۸۹۶۵۰ و شماره شاسی S۵۴۲۰۰۹۱۷۰۸۴۳۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد. (لاهیجان)

آگهی دعوت نوبت اول سهامداران شرکت فرآورده‌های گوشتی مجد گنبد
بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت فرآورده‌های گوشتی مجد گنبد سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۰ آزادشهر و شناسه ملی ۱۰۹۸۰۱۵۱۴۶۸ دعوت می‌شود تا در جلسات مجمع عمومی فوق‌العاده و مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت که در ساعت ۱۰ صبح و ۱۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۷ در محل استان گلستان، شهرستان آزادشهر، بخش مرکزی، شهر آزادشهر، میدان قدس، خیابان شهید مدنی، کوچه ولایت ۳[شهید میرحسینی- مطهر ۱۲]، پلاک ۵۳، طبقه همکف کدپستی ۴۹۶۱۶۳۴۹۷۵ تلفن ۰۱۷۳۵۷۲۳۵۱۴ تشکیل می‌گردد حضور به‌هم رسانند.
دستور جلسه:
۱- مجمع عمومی فوق‌العاده(تغییر نشانی در همان واحد ثبتی).
۲- مجمع عمومی عادی سالیانه(انتخاب/ تعیین سمت مدیران- انتخاب بازرس/ بازرسان- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار- تعیین دارندگان حق امضا).
سایر مواردی که در صلاحیت مجامع فوق باشد.
هیئت‌مدیره شرکت

قابل توجه مشتریان محترم
لطفاً قبل از پرداخت مبلغ آگهی از هویت مامور وصول مطمئن و در صورت لزوم با تلفن ۳۳۱۱۲۱۹۷ تماس بگیرید
اداره وصول مطالبات روزنامه کیهان

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۴

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت **۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱** بانک ملت به نام چاپ و انتشـــارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی **۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۴۵/۰۰۰/۰۰۰	۲۲/۵۰۰/۰۰۰	۱۱/۲۵۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۱۶۵/۰۰۰/۰۰۰	۸۲/۵۰۰/۰۰۰	۴۱/۲۵۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۱۶۵/۰۰۰/۰۰۰	۸۲/۵۰۰/۰۰۰	۴۱/۲۵۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۲۸/۶۰۰/۰۰۰	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰
مجله زن روز	۲۸/۶۰۰/۰۰۰	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰	۳/۵۷۵/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۲/۲۰۰/۰۰۰	———	———

توجه
۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.
۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره **۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸** با ذکر مشخصات در کانال تلگرام و یا ایتا قرار داده و به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا
نام: ..... نام خانوادگی: ..... نوع نشریه: ..... تعداد نسخه..... مدت..... ماه
مبلغ پرداختی: ..... ریال شماره فیش بانکی: ..... تلفن: ..... تلفن همراه: .....
آدرس:.....
کد پستی: ..... پست الکترونیکی: .....
شماره اشتراک: .....

تلفن: ۳۵۲۰۲۲۷۸-۰۲۱ نمابر: ۳۳۹۱۰۹۲۲-۰۲۱ امور مشترکین موسسه کیهان

ویژه‌نامه تخصصی خودرو با مطالبی متنوع و کادری ورزیده با آخرین اخبار روز بهترین مکان جهت درج آگهی‌های شما
با حضور در نیازمندی‌های روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید